



پوهنتون سلام

پوهنځي شرعيات فقه و قانون
پروگرام ماسټري فقه و قانون



دولت جمهوري اسلامي افغانستان

وزارت تحصیلات عالی
معيشت امور علمي

جزای سرقت در فقه و کود جزای افغانستان

(رساله ماسټري)

محصلة: حبيبه گنوم "خطیبی"

استاد راهنما: دوكتور محمد یونس "ابراهیمی"

سال ۱۳۹۸ هـ.ش - ۱۴۴۰ هـ.ق



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

جزای سرقت در فقه و کود جزای افغانستان

(پایان نامه ماستری)

محقق: حبیبه گلنوم " خطیبی "

استاد رهنما: دکتور محمد یونس " ابراهیمی "

سال 1399 هجری شمسی





پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت فقه و قانون

بورد ماستری

محمد

تصدیق نامه

محترمه حبیبه گلنوم بنت محمد ربانی ID: SH-MSF-97-481 محصله دور ششم فقه و قانون که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: حد سرقت در فقه و کود جزای افغانستان به روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱۱ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۴۰ (نمره به عدد) نود و یوه (نمره به حروف) گردید، موفقیتنه شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

شماره	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور مومن حلیمی	عضو هیات	
۲	دکتور شیر علی ظریفی	عضو هیات	
-	دکتور محمد یونس ابراهیمی	استاد رهنما و رئیس جلسه	

معاون علمی

مر بورد ماستری

خلاصه بحث

سرقت یکی از پدیده های منفی اجتماعی می باشد که از قدیم در جامعه وجود داشته، هم ادیان و مذاهب مخصوصاً فقه اسلامی و هم کود جزای افغانستان آن را به عنوان یک عمل زشت دانسته که برای آن انواع مجازات و عکس العمل های اجتماعی در نظر گرفته میشود و این جرم در گذشته بصورت ساده وجود داشت اما امروزه نوعیت آن تغییر نموده است.

سرقت در لغت از کلمه عربی گرفته شده به معنی برداشتن چیزی از کسی دیگر (هر آنچه که دارای ارزش باشد) اما در اصطلاح سرقت عبارت است از اخذ مال متقوم و محرز از شخصی دیگر بطور مخفیانه. انواع سرقت: سرقت عموماً به دو دسته تقسیم میشود: 1- سرقت حدی (کوچک و بزرگ). 2- سرقت غیر حدی یا تعزیری، سرقت حدی بنابر اهمیت و گستردگی آن یکی از جرایم حدی قرار گرفته است سرقت حدی در نفس خود به دو دسته تقسیم شده میشود: 1- کوچک 2- بزرگ.

سرقت کوچک عبارت از ربودن مال متقوم و محرز شخصی دیگر بطور مخفیانه. سرقت بزرگ عبارت از ربودن مال برسبیل غلبه و زور، که بنام های قطع الطریق (راهزنی) و حرابت یا جنگ نامیده می شود.

2- سرقت غیر حدی که مستوجب تعزیر می گردد، عبارت از سرقت می باشد که شرایط وارکان حدی را تکمیل نکرده باشد و تمرکز اصلی کود جزای افغانستان روی همین سرقت غیر حدی است. شرایط اختصاصی جرم سرقت: جرم سرقت وقت تحقق پیدا میکند که شرایط آن تکمیل باشد در صورت عدم موجودیت شرایط جرم سرقت تحقق نمی یابد و مجازات حدی تطبیق نمی گردد.

شرایط سرقت را فقه و کود جزای افغانستان به چهار بخش تقسیم نموده است: 1- شرایط سارق که شامل: صاحب اهلیت بودن، قصد داشتن بر انجام سرقت، عدم اضطرار بر انجام سرقت، عدم وجود قرابت میان سارق و مسروق منه، عدم شک در استحقاق مال می باشد. 2- شرایط مسروق منه: مسروق منه معلوم باشد، ملکیت مسروق منه بر بالای مال مسروقه صحیح باشد، مسروق منه مسلمان و یا هم ذمی باشد. 3- شرایط مسروق: مسروق مال متقوم باشد، مال مسروق به اندازه حد سرقت رسیده باشد، مال مسروق مطلقاً محرز باشد، مال مسروق اعیان و قابلیت ذخیره و امساک را داشته باشد، مال مسروق در اصل مال مباح نباشد، برای سارق در مال مسروق ملکیت، تأویل و شبهه آن نباشد، برای سارق اجازه و شبهه آن در دخول به حرز نباشد و مال مسروق در سرقت مقصود باشد نه تابع. 4- شرایط مسروق فیه: منظور و مقصود از مسروق فیه همان محل و مکان سرقت است، بنابر این شرط است که آن دارالعدل

باشد، پس اگر سرقت از محل و مکان دارالحرب یا دارالبغی صورت گیرد، دست سارق قطع نمی گردد.

نصاب که موجب سرقت حدی گردیده و دست سارق آن قطع می گردد، که از یک محل محروز بیرون کرده باشد، این مال مسروق به یک نفر تعلق بگیرد و یا برای یک جمع، زیرا سرقت یک است، بنابراین این اگر از یک محل پنج درهم سرقت صورت گرفت و از محل دیگر هم پنج درهم، قطع را لازم نمی گرداند، زیرا دو سرقت مختلف از دو محل مختلف صورت گرفته است، پس محل برای قطع این دو سرقت نیست.

سرقت نزد قاضی با یکی از دو امر ثابت می گردد: 1- بینه 2- اقرار. بینه اسم است برای چیزی که حق را بیان و آشکار می کند، که توسط شهود صورت می گیرد. اقرار عبارت از آن است که خود شخص حقی را که بالایش دیگران دارد آشکار و اظهار می کند، این بهترین ثبوت و دلیل است، که خود شخص علیه خودش اعتراف و اقرار کند.

سرقت کردن از خود عوامل دارد که تعداد از این عوامل عبارت است از: عامل اقتصادی، عامل سیاسی، عامل اجتماعی، عامل شخصی، نارسایی های قانونی، بیکاری، فقر، حسادت، تجربه های دوران کودکی و احساس نا امنی و خود نمایی...

برای جلوگیری از سرقت راه های حل وجود دارد، که تعداد از این راه های حل عبارت از: مراقبت خانواده ها نسبت به انتخاب دوست توسط فرزندان، فراهم ساختن زمینه اشتغال، تغییر محیط نابهنجار و اجرای برنامه های پیشگیرانه، ارتقای فرهنگ، تقویت ایمان و نابود کردن فقر و خودداری از تحقیر و برجسب زدن و غیره.

فهرست موضوعات

1.....	مقدمه
1.....	اهمیت و ضرورت تحقیق
2.....	سوالات تحقیق
2.....	اهداف تحقیق
2.....	پیشینه تحقیق
3.....	روش تحقیق
3.....	پلان تفصیلی بحث

فصل اول

ماهیت سرقت در فقه و کود جزای افغانستان

6.....	مبحث اول: معرفی جزا
7.....	مطلب اول: تعریف جزا
10.....	مطلب دوم: اهداف جزا
11.....	مطلب سوم: مراعات کرامت انسانی در جزاء
12.....	مطلب چهارم: انواع جزاء در فقه و کود جزا
2۱.....	مبحث دوم: معرفی سرقت در فقه و کود جزای افغانستان
2۲.....	مطلب اول: تعریف سرقت و انواع آن
2۷.....	مطلب دوم: اختلاس، خیانت و انتهاب
3۴.....	مبحث سوم: مجازات و ویژگی های سرقت در فقه و کود جزای افغانستان
3۵.....	مطلب اول: حکمت از تشریح جزای سرقت
3۸.....	مطلب دوم: مجازات سرقت در فقه اسلامی
4۳.....	مطلب سوم: مجازات سرقت در کود جزای افغانستان
۴۳.....	مطلب چهارم: حکم تقنین جرم و جزای تعزیری و اثر آن
۵۱.....	مطلب پنجم: پیوند دست مقطوعه
۵۳.....	مطلب ششم: اناستیزی در وقت قطع
۵۵.....	مطلب هفتم: جمع میان تاوان مال مسروق و قطع دست سارق
۵۷.....	مطلب هشتم: مجازات سارق در تکرار سرقت

- مطلب نهم: مکان قطع در وقت مجازات..... ۵۹
- مطلب دهم: ویژگی های سرقت..... ۶۲

فصل دوم

شرایط سرقت و دلایل اثباتیه آن در فقه و کود جزای افغانستان

- مبحث اول: شرایط سرقت در فقه و کود جزای افغانستان..... ۶۶
- مطلب اول: شرایط سارق..... ۶۷
- مطلب دوم: شرایط مسروق منه..... ۷۸
- مطلب سوم: شرایط مسروق..... ۸۳
- شرط اول: مسروق مال متقوم باشد..... ۸۳
- شرط دوم: مال مسروق به اندازه حد سرقت رسیده باشد..... ۸۶
1. صفات نصاب مال مسروق در حد سرقت..... ۸۹
 2. وقت اعتبار برای قیمت مال مسروق که به نصاب رسیده است و یاخیر؟..... ۹۰
 3. نصاب از یک حرز باشد..... ۹۱
 4. اشتراک یک جماعت در سرقت..... ۹۲
- شرط سوم: مال مسروق مطلقاً محرز باشد..... ۹۴
1. حرز مسروق بشکل مستقل..... ۹۵
 2. حرز مسروق همراهی غیر..... ۹۶
 3. طرار و نباش..... ۹۷
 4. سرقت از حویلی مشترک..... ۹۹
 5. سرقت اموال بازار..... ۹۹
 6. سرقت زوجین از همدیگر..... ۱۰۰
 7. سرقت از بیت المال..... ۱۰۱
 8. سرقت آلات مثل وسایل تلفونی..... ۱۰۳
 9. سرقت نمیر پلیت واسطه نقلیه..... ۱۰۴
 10. سرقت قرآن کریم و کتاب های دینی و سرقت از عبادت گاهها..... ۱۰۴
 11. سرقت اموال کم بها..... ۱۰۴
 12. سرقت سایبری..... ۱۰۵

13. سرقت اینترنت..... ۱۰۵
- شرط چهارم: مال مسروق اعیان و قابلیت ذخیره کردن و امساک را داشته باشد..... ۱۰۵
- شرط پنجم: مال مسروق در اصل مال مباح نباشد..... ۱۰۸
- شرط ششم: برای سارق در مال مسروق ملکیت، تأویل و شبهه آن نباشد..... ۱۰۸
- شرط هفتم: برای سارق اجازه و شبهه آن در دخول به حرز نباشد..... ۱۰۸
- شرط هشتم: مال مسروق در سرقت مقصود باشد نه تابع..... ۱۰۹
- مطلب چهارم: شرایط مسروق فیه..... ۱۰۹
- مبحث دوم: دلایل اثبات جزای سرقت و چگونگی سقوط آن در فقه و کود جزای افغانستان..... ۱۱۱
- مطلب اول: بینه..... ۱۱۲
- مطلب دوم: اقرار..... ۱۱۳
- مطلب سوم: موارد که حد سرقت را بعد از وجوب آن ساقط میکند..... ۱۱۵

فصل سوم

عوامل سرقت و راهای حل آن

- مبحث اول: عوامل سرقت..... ۱۱۸
- مطلب اول: مطلب اول: عامل اقتصادی..... ۱۱۹
- مطلب دوم: عامل سیاسی..... ۱۱۹
- مطلب سوم: عامل اجتماعی..... ۱۲۰
- مطلب چهارم: عامل شخصی..... ۱۲۲
- مطلب پنجم: نارسایی های قانونی..... ۱۲۲
- مطلب ششم: بیکاری..... ۱۲۳
- مطلب هفتم: فقر..... ۱۲۴
- مطلب هشتم: حسادت، تجربه های دوران کودکی، احساس نا امنی و خود نمایی..... ۱۲۴
- مبحث دوم: راه های حل برای جلوگیری از سرقت..... ۱۲۶
- مطلب اول: مراقبت خانواده ها نسبت به انتخاب دوست توسط فرزندان..... ۱۲۷
- مطلب دوم: فراهم ساختن زمینه اشتغال..... ۱۲۸
- مطلب سوم: تغییر محیط نابهنجار و اجرای برنامه های پیشگیرانه..... ۱۳۰
- مطلب چهارم: ارتقای فرهنگ..... ۱۳۰

مطلب پنجم: تقویت ایمان و نابود کردن فقر.....	130
مطلب ششم: خودداری از تحقیر و برچسب زدن.....	131
نتیجه گیری.....	133
پیشنهادات.....	137
فهرست آیات های قرآنی.....	139
فهرست احادیث نبوی.....	141
فهرست اعلام.....	144
فهرست منابع و مأخذ.....	146

نتیجه گیری

در طول تاریخ یکی از مسائلی که بشر با آن مواجه بوده و همواره زندگی اجتماعی را تحت تاثیر قرار داده است سرقت است، که فشرده سرقت و احکام آن قرار ذیل است:

1. اسلام برای سرقت جزاء تعیین نموده است، جزاء به معنای مکافات، پاداش و عقوبت است، و در اصطلاح: مکافات و پاداشی است از جانب الله متعال و یا مردم، برای شخصیکه عمل خیر را انجام داده است، و تعذیب شخص است بر عمل شر و زشت، جزاء در دنیا از جانب الله متعال و هم مردم است، اما در آخرت تنها از طرف الله متعال است.
2. هدف از اجرا و تطبیق جزاء بالای مرتکبین آن: اصلاح حال بشریت، نگهداشتن آن ها از مفساد، نجات دادن شان از جهالت، رهنمایی آنان از گمراهی به سوی هدایت، بازداشتن آن ها از ارتکاب معاصی و وادار کردن شان به طاعت و بندگی است.
3. جزای سرقت دو قسم است: 1- جزای حدی 2- جزای تعزیری. حد: شرعاً جزاء و کیفری است که به جهت حق الله تعیین گردیده است. تعزیر: هر جرمی که شریعت حد و مجازات و کفاره ای برای آن تعیین نفرموده است، مانند: سرقتی که مال به سرقت رفته در حد نصاب نباشد، و دست زدن به زن بیگانه و بوسه گرفتن آن، دشنام دادن مسلمان یا زدن کسی بدون وارد کردن زخم و شکستن اعضاء.

4. تصنیف جزاها بر حسب شدت و خفت به قباحت، جنحه و جنایت تقسیم می شود. جزاها از حیث ارتباط که بین خود آنها وجود دارد را می توان به سه نوع: اصلی، تبعی و تکمیلی تقسیم کرد.
5. سرقت: در لغت بمعنای دزدی و دزدی کردن است و در اصطلاح سرقت عبارت است از: اخذ و گرفتن شخص عاقل و بالغ مالی را از ملک غیر به شکل پنهان و پوشیده، که شک و تردید وجود نداشته و به نصاب رسیده باشد.
6. اختلاس، خیانت و انتهاب که تعریف سرقت حدی در آن تحقق نمی یابد، مربوط تعزیر میگردد.
7. سرقت یکی از گناهان کبیره است، که برای اثبات این ادعا، دلایل هم از کتاب الله، سنت رسول الله، اجماع امت و عقل ثابت است.
8. در کود جزائی افغانستان هم برای سرقت های تعزیری جزاهای را تعیین کرده است، و سرقت را از جمله جرایم شمرده است.
9. بین فقهاء اسلامی در این موضوع که شخص سارق هم دستش قطع گردد و هم مال سرقت شده را پس مسترد کند، کدام اختلاف نیست: وقتی دست سارق قطع گردد و مال سرقت شده ثابت باشد، به مالک آن دو باره مال مسترد گردد، از جهت بقائی ملکیت مالک در آن مال.
10. اگر شخص سارق چندین بار سرقت کند و هر بار دستگیر گردد، در این مورد علماء اتفاق دارند، که دست راست سارق در سرقت اول و پای چپ اش در سرقت دوم قطع گردد. اما اختلاف شان در قطع دست چپ در سرقت سوم، و پای راست در سرقت چهارم است، قول راجح اینست: بعد از دست راست و پای چپ هیچ عضوی از اعضای سارق قطع نمیشود، ولی ضامنی مال مسروق است، و تعزیر و حبس هم گردد تا توبه کند.
11. مدار قطع دست در سرقت به یک چهارم دینار است، یعنی اگر شخص سرقت می کند و اندازه مال مسروقه به یک چهارم دینار می رسد، باید دستش قطع گردد.
12. مکان قطع دست: مچ دست (بند میان آرنج و پنجه) است و مکان قطع در پای، بجلک است.
13. بعد از قطع، محل قطع را داغ کند تا شریان رگ ها بسته شده و خون از آن روان نشود.
14. جزای سارق که در شریعت اسلامی جزء حدود و تعزیری می باشد، به حسب حقیقت به دو مسأله اساسی قابل تحلیل است: 1- دزد در مقابل کار ناروایی که انجام داده باید مجازات شود. 2- این مجازات باید با بریدن دست انجام گیرد.
15. صفت سرقت: 1- حد سرقت حق الله متعال است. 2- تداخل در حد سرقت درست می باشد. 3- عدم عفو و سفارش بر جزای سارق.

16. شرایط سارق عبارت است از: صاحب اهلیت بودن، قصد داشتن بر انجام سرقت، عدم اضطرار بر انجام سرقت، عدم وجود قرابت میان سارق و مسروق منه، عدم شک در استحقاق مال می باشد.

17. شرایط مسروق منه: مسروق منه معلوم باشد، ملکیت مسروق منه بر بالای مال مسروقه صحیح باشد، مسروق منه معصوم المال باشد.

18. شرایط مسروق: مسروق مال متقوم باشد، مال مسروق به اندازه حد سرقت رسیده باشد، مال مسروق محرز مطلق و مقصود به حرز باشد، مال مسروق اعیان و قابلیت انذار و امساک را داشته باشد، مال مسروق در اصل مال مباح نباشد، برای سارق در مال مسروق ملکیت، تأویل و شبهه آن نباشد، برای سارق اجازه و شبهه آن در دخول به حرز نباشد و مال مسروق در سرقت مقصود باشد نه تابع.

19. شرایط مسروق فیه: منظور و مقصود از مسروق فیه همان محل و مکان سرقت است، بنابر این شرط است که آن دارالعدل باشد، پس اگر سرقت از محل و مکان دارالحرب یا دارالبغی صورت گیرد، دست سارق قطع نمی گردد.

20. شرط است که درهم ها اصلی باشند، پس اگر درهم های تقلبی را سرقت کرد، یا غیر از درهم ها را سرقت کرد، دست سارق قطع نمی شود تا قیمت مسروق به ده درهم اصلی نرسد.

21. نصاب که موجب سرقت حدی گردیده و دست سارق آن قطع می گردد، که از یک محل محروز بیرون کرده باشد، این مال مسروق به یک نفر تعلق بگیرد و یا برای یک جمع، زیرا سرقت یک است، بنابر این اگر از یک محل پنج درهم سرقت صورت گرفت و از محل دیگر هم پنج درهم، قطع را لازم نمی گرداند، زیرا دو سرقت مختلف از دو محل مختلف صورت گرفته است، پس محل برای قطع این دو سرقت نیست.

22. وقتی یک جماعت در سرقت اشتراک داشتند، برای هر کدامش نصاب سرقت حاصل گردید، بر هرکدامش قطع لازم می گردد.

23. حرز دو قسم است: اول: حرز بشکل مستقل: عبارت از هر محلی است که برای حرز آماده شده است، که از داخل شدن غیر بدون اجازه در آن محل ممانعت می گردد، مثل خانه ها، دوکان ها، خیمه ها، خزانه ها، صندوق ها و أمثال آنها، با سرقت از این محل دست سارق قطع می گردد. دوم: حرز مسروق همراهی غیر: عبارت از هر محل که برای احراز آماده نگردیده است،

بلکه بدون اجازه و ممانعت هرکس داخل آن می‌گردد، مثل مساجد، راه‌ها و دشت و بیابان. پس حکم آن، حکم صحرا است و دست قطع نمی‌گردد.

24. واجب است دست طرار یعنی جیب بر، قطع گردد و این رأی فقهاء بر مصلحت استوار است، تا از خطر این پدیده جامعه و شهر در امان گردد. ولی نباش یعنی شخص که کفن میت را می‌کشد، به حبس قصیر که یک نوع تعزیر است، محبوس می‌گردد.

25. سرقت نزد قاضی با یکی از دو امر ثابت می‌گردد: 1- بینه 2- اقرار. بینه اسم است برای چیزی که حق را بیان و آشکار می‌کند، که توسط شواهد صورت می‌گیرد. اقرار عبارت از خبر دادن شخص است از حق غیر بالای خودش، این بهترین ثبوت و دلیل است، که خود شخص علیه خودش اعتراف و اقرار کند.

26. سرقت کردن از خود عوامل دارد که تعداد از این عوامل عبارت است از: عامل اقتصادی، عامل سیاسی، عامل اجتماعی، عامل شخصی، نارسایی‌های قانونی، بیکاری، فقر عاطفی و ناکامی، حسادت، تجربه‌های دوران کودکی و احساس ناامنی و خودنمایی...

27. برای جلوگیری از سرقت راه‌های حل وجود دارد، که تعداد از این راه‌های حل عبارت از: مراقبت خانواده‌ها نسبت به انتخاب دوست توسط فرزندان، فراهم ساختن زمینه اشتغال، تغییر محیط نابهنجار و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه، ارتقای فرهنگ، تقویت ایمان و نابود کردن فقر و خودداری از تحقیر و برچسب زدن و غیره.

پیشنهادات:

برای اینکه مردم مسلمان افغانستان مصونیت مالی از سرقت و اُمثال آن پیدا کنند و این پدیده منفی از جامعه چیده شود، موارد ذیل را پیشنهاد می‌کنم:

1- به دولت جمهوری اسلامی افغانستان پیشنهاد می‌کنم تا حدی سرقت را بالای مرتکبین آن تطبیق نموده و با محاکم محترم همکاری نمایند، زیرا مهم‌ترین نقش را برای جلوگیری از سرقت و اُمثال آن تطبیق حد می‌داشته باشد.

2- به وزارت محترم داخله، ریاست امنیت ملی و دیگر ارگان‌های کشفی جرمی پیشنهاد می‌کنم، تا برای بازداشت سارقین تعلل ننمایند، بلکه به موقع آنها را دستگیر نموده و مطابق فقه اسلامی و کود جزا مجازات نمایند، تا امنیت در جامعه تأمین گردد.

3- به محاکم محترم پیشنهاد می‌نمایم که وقتی جزای حد و یا تعزیر بالای سارق مشخص می‌گردد، حکم را مطابق فقه و کود جزا بدون تعلل صادر نمایند، تا حکم الهی تطبیق گردیده و جامعه از گزند این امراض نجات پیدا کند.

4- همچنان به دولت جمهوری اسلامی افغانستان پیشنهاد می‌کنم که برای نجات از جرایم مخصوصاً سرقت، این جرایم را ریشه‌یابی نماید و ریشه‌های آن را خشک نماید، مهم‌ترین ریشه جرم مخصوصاً سرقت: بیکاری و فقر است، بنام دولت مکلف است تا برای برآمدن از این معضله کار را برای مردم مخصوصاً قشر جوان مساعد گرداند.

5- به وزارت محترم ارشاد حج و اوقاف پیشنهاد می‌نمایم تا برای برآمدن از این پدیده منفی، سیستم آگاهی دهی را تسریع ببخشند و برای اِمّان مساجد وانمود نمایند تا از این موضوع و گناه و معصیت آن، حد اقل در ماه یک و یا دو مرتبه در مساجد به مردم بازگو نمایند.

6- به وزارت‌های محترم معارف و تحصیلات عالی پیشنهاد می‌نمایم، تا آگاهی دهی از جرایم را مخصوصاً جرم سرقت را در نصاب‌های درسی شان داخل نمایند، تا جوان و نوجوان از این پدیده آگاهی پیدا نمایند و دست از این عمل بردارند.

7- برای پوهنتون سلام که یک پوهنتون آکادمیک است، پیشنهاد می‌نمایم تا در این عرصه بازم تحقیقات بیشتر و بهتر انجام دهند و این تحقیقات را برای نسل جوان تقدیم نمایند تا با آگاهی دست از این عمل بردارند.

8- برای علمای کرام پیشنهاد می‌کنم تا سیستم آگاهی‌دهی‌شان را در رسانه‌های صوتی و تصویری روی این موضوع و سائر موضوعات که حیات جانی، مالی، دینی، ناموسی و عقلی را صدمه می‌زند، بیشتر نمایند.

9- در اخیر برای تجاران و سرمایه‌داران محترم پیشنهاد می‌کنم تا از یک طرف با پرداخت زکات و سائر حقوق واجبه بر اموال را به موقع برای مستحقین آن پرداخت نمایند تا از یک طرف جامعه از فقر برآیند و از طرف هم این کار باعث محبت و صمیمیت‌شان در جامع گردد و از طرف هم روی چاپ این نوع موضوعات همکاری نمایند، تا این موضوعات در جامعه بیشتر و بیشتر انتشار گردیده و به دسترس مردم قرار گرفته و مردم با آگاهی از این عمل دست بردار شوند.

بخاطر دسترسی به متن کامل این تحقیق مراجعه شود به:

پوهنتون سلام، کتابخانه مرکزی چهار راهی گل سرخ، سرک کلوله پشته

و یا هم به ایمیل آدرس ذیل تماس گرفته شود:

research.salam.edu.af